

مبارزه اسلام با غلو و زیاده روی

نویسنده: پوهنوال عبدالمجید صمیم

چکیده

غلو در دین از جمله مصیبت‌هایی است که معمولاً هر دینی گرفتار آن میشود. پیروان ادیان در تعامل خویش با دین همواره از چهارچوبه‌ها و ضوابط تعیین شده توسط ادیان، عبور و تجاوز میکنند و از جمله غالیان میگردند.

آثار غلو تنها در خود دین محدود نمی‌ماند؛ زیرا این آثار خیلی زود به تمام بخشهای زندگی انسانها سرایت میکند و فرا گیر میشود، در تمام عرصه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و حتی عبادی و غیره.

روی این اساس، ادیان الهی همواره با پدیده غلو و زیاده روی مبارزه نموده اند، و پیروان خویش را پیوسته هشدار داده‌اند تا از گرفتار شدن در دام غلو و افراط بر حذر باشند. در منابع دین مقدس اسلام آیات و احادیث بسیاری در رد غلو و افراط وجود دارد که بیان آنها میتواند کمکی به کسانی باشد که گرفتار این پدیده شده‌اند.

کلمات کلیدی: غلو، افراط، تنطع، تفریط، تشدد

مقدمه

در این شکی وجود ندارد که غلو و زیاده روی در هر کاری و لو در عرصه های دینی هم اگر باشد، کاری به غایت نادرست و مصیبت آفرین است. خط اعتدال همواره باید در تمام امور زندگی حفظ شود و هیچ انسانی نباید از دایره چهارچوبه ها و ضوابطی که شریعت اسلام وضع نموده، پا فراتر بگذارد و با گرایشهای غالیانه خود هم برای دین مصیبت آفریند و هم برای خود و هم برای انسانها.

دین اسلام نه تنها که دین غلو و افراط و تفریط نیست؛ بلکه با این پدیده ها با قوت و شدت مبارزه نموده، و نه تنها که پیروان خود را، بلکه پیروان سایر ادیان را نیز از گرفتار شدن در دام غلو و زیاده روی نهی نموده است. قول خداوند (ج) (یا اهل الکتاب لا تغلوا فی دینکم) (نسا: ۱۷۱) این تعامل اسلام با این پدیده، نشان از والایی و بزرگی این دین با عظمت دارد، دینی که جز خوبی و سعادت چیز دیگری برای بشریت نمیخواهد.

مفاهیم و معنی شناسی

اول- معنی شناسی غلو

با مراجعه به فرهنگهای لغت به خوبی واضح میگردد که غلو کلمه یی است عربی که از خود معانی زیادی دارد. از جمله: تجاوز از حد، افراط، تشدد و آخرین حد در یک پدیده. (۴: ۱۳۲) دهخدا نیز در فرهنگ خویش علاوه بر برخی از معانی فوق، معنای مبالغه را نیز برای غلو بر شمرده است. (۸: غلو)

با توجه به آنچه گفته شد به خوبی واضح میگردد که هرگاه کسی از حد و حدود معمول پا فراتر بگذارد؛ در واقع دچار غلو شده و زیاده روی کرده است؛ چنان که افراط گرایی و تشدد نیز از نمادها و شاخصه های غلو و زیاده روی به شمار میرود.

دوم- مفهوم غلو

اندیشمندانی که به تعریف غلو پرداخته اند، تعریفات خویش را بر مبنای معانی لغوی ارائه کرده اند. مناوی در "التوقیف علی مهمات التعاریف" میگوید: «غلو عبارت از تجاوز از حد در امور میباشد». (۱۱: ۵۴۰)

به همین ترتیب ابوبکر محمد ازدی در کتاب جمهره اللغة چنین میگوید: «غلو به معنی برتری جویی در شیء و تجاوز از حد است». (۶: ۹۶۱)

طوری که ملاحظه میشود تعریف اصطلاحی و لغوی غلو یکی است و آن زیاده روی و تجاوز از حد میباشد. هر پدیده یی در جهان از خود حد و حدودی دارد، هرگاه کسی از این حدود تجاوز

کند؛ به طور قطع دچار غلو شده است.

گونه‌های غلو

غلو از خود نمادهای گوناگونی دارد که مهمترین این نمادها از قرار زیر است:

غلو ی ذهنی: منظور از غلو ذهنی تجاوز از حد و حدودی است که در پدیده‌های ذهنی در درون ذهن انسان صورت میگیرد.

برخی از انسانها در درون خود دچار غلو و تجاوز از حد میشوند. این نوع غلو میتواند در اشکال مختلف بروز مینماید. برخی از نگرشهای منفی و حتی برخی از کجرویهای ذهنی و در کل پدیده منفی بافی ریشه در غلو ی ذهنی دارد. انسان اگر این نوع غلو را مهار نکند خطر این وجود دارد که گرفتار افسرده گیهای شدید شود و روح و روانش را به سوی نابودی و تباهی سوق دهد.

غلو ی سلوکی: منظور از غلو سلوکی، تجاوز از حد و حدودی است که در رفتارها و کنشهای انسانی صورت میگیرد و انسان را در رفتارهایش به بیراهه میکشاند. خشن بودن بیش از حد از جمله نمادهای غلو ی سلوکی است. اصل و اساس خشونت در انسانها یک امر طبیعی است و اگر در حد معقول و معمولش باشد مانعی ندارد. مشکل زمانی بروز میکند که این خشونت به بیراهه رود و از حد بگذرد.

غلو ی عاطفی: منظور از غلو ی عاطفی تجاوز از حد و حدودی است که انسانها در عرصه عواطف خود به آن آغشته میشوند. از جمله نمادهای غلو ی عاطفی میتوان به پدیده عشق اشاره کرد. عشق نوعی تجاوز از حد در عاطفه است. محبت از جمله عواطف مثبت انسان است و هر انسانی به حکم انسان بودن خود باید از این عاطفه برخوردار باشد؛ اما هرگاه این محبت و عاطفه از حد تجاوز نماید، تبدیل به مصیبتی مبدل میشود که گاهی تمام هست و بود یک انسان را به یغما میبرد. نمونه‌هایی از این نوع غلو در تاریخ انسانها بسیار داریم.

حوزه‌های غلو و زیاده روی و نمادهای آن

بر اساس آموزه‌های دینی به صورت کل غلو در دو حوزه صورت میگیرد:

حوزه دنیا

به این نوع غلو، غلو در دنیا گفته میشود. تبلور این نوع غلو زمانی است که انسان دنیا را بر آخرت ترجیح دهد. حق تعالی میفرماید: (فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ) [النازعات، ۳۷-۳۹] (پس آن کس که طغیان کرد و زندگانی دنیا را ترجیح داد؛ پس جهنم جایگاهش است).

این آیه مبارکه به گونه صریح اشاره به غلو در دنیا دارد.

سید قطب در تفسیر این آیه مینویسد: «طغیان از معنای قریبی که دارد خیلی فراتر است، طغیان صفتی برای کسی است که از حق و هدایت تجاوز میکند. این طغیان حتی از سرکشی صاحبان قدرت و جبروت نیز وسیعتر است؛ چون شامل هر متجاوز از هدایت میشود، و هر کس که زندگانی دنیا را ترجیح دهد و آن را بر آخرت برگزیند، و تنها برای دنیا سعی و تلاش نماید، و هیچ به فکر آخرت نباشد؛ در حالی که آخرت معیارها را در دست و ذهن انسان قرار میدهد. هرگاه انسان حساب آخرت را اهمال کند یا دنیا را ترجیح دهد تمام میزانها بر هم میخورد و تمام برنامه‌ها مختل میشود؛ به این ترتیب شخص سرکش، باغی و متجاوز از حد به شمار میرود».^(۱۰)

پس بر اساس تفسیر سید قطب در امور دنیا نیز میشود یک انسان دچار غلو و افراط شود.^(۱۱)

حوزه دین

همان گونه که در حوزه دنیا غلو و زیاده روی صورت میگیرد، در حوزه دین نیز غلو و زیاده روی صورت میگیرد. از میان تمام انواع غلو، غلو در دین بسیار بد و زشت است. قرآن کریم و آموزه های دینی پیوسته بر رد و نکوهش غلو در دین تأکید دارند. اصولاً دین اسلام دین غلو و زیاده روی و تجاوز از حد و حدود نیست. اسلام خود حد و حدود است. اسلام آمده تا همه چیز را با برنامه های خود که نوعی نظم و نسق بخشیدن به زندگی مادی و معنوی انسان است، منظم سازد و از بی نظمی و آناشیزمهای مختلف در این خصوص جلوگیری نماید. اکنون بد نخواهد بود با توجه به آثار و پیامدهای بد و زشت غلو، به جایگاه این پدیده در آموزه های دینی اشاره ای داشته شود.

جایگاه غلو در آیات قرآنی

از آنجایی که غلو در دین یکی از بدترین پدیده های منفی روزگار ما و روزگاران گذشته بوده است، و نظر به اینکه این غلو منجر به فساد دین و دنیای انسانها میشود، قرآن کریم انسانها را از این پدیده شوم بر حذر داشته است.

الله متعال در آیه ۱۷۱ سوره نساء میفرماید: (يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ) [النساء، ۱۷۱]. (ای اهل کتاب در دین خویش غلو نکنید و بر خدا جز سخن حق نگویید). و در جایی دیگر هم میفرماید: (قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ) [المائدة، ۱۷۷]. (بگو ای اهل کتاب در دین خویش به ناحق غلو نکنید و از هوای قومی که از قبل گمراه شده اند و بسیاری را گمراه نمودند و از راه برابر گم شدند پیروی نکنید).

نکات زیر در این دو آیه مبارکه پیرامون غلو برجسته و قابل توجه است:

غلو توسط اهل کتاب صورت میگیرد؛

غلو در دین صورت میگیرد؛

غلو کاری است که از حقیقت به دور است و هیچگاه حق نمیباشد؛

غلو دین نیست، پیروی از هوی و هوس قومی گمراه و گمراه‌گر است؛

غلو انحراف از راه برابر و مستقیم است؛

غلو سخن ناحق است.

این دو آیه مبارکه در واقع موضوع را از تمام جوانب آن به خوبی واضح و روشن ساخته است. هم به ماهیت غلو اشاره مینماید، هم به علل و اسباب آن، و هم به جایگاه آن در دین - که از هیچ جایگاهی بر خوردار نیست.

قرآن کریم تنها با این دو آیه با غلو و افراط و تفریط مبارزه نکرده؛ بلکه در آیات متعددی این هدف را تعقیب کرده است. از جمله در آیه مبارکه ۱۴۳ سورة بقره میفرماید:

(وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا). [البقره، ۱۴۳].

(و اینگونه شما را امتی میانه و وسط قرار دادیم تا بر مردم گواهان باشید و پیامبر بر شما گواه باشد).

در این آیه خداوند متعال (ج) خط سیر امت اسلامی را تعیین میکند و میفرماید که فلسفه وجودی شما اینست که باید در حد وسط قرار داشته باشید. حد وسط جایی است که در بین افراط و تفریط قرار دارد. اسلام نه افراط است و نه تفریط، و با هر دو مخالف.

راجع به کلمه وسط که در این آیه وارد شده مفسران نظریات گوناگونی ارائه کرده‌اند. سعدی در تفسیر خویش وسطیت را اعتدال و میانه روی در تمام امور میداند و سید قطب به گونه موردی میگوید وسطیت، یعنی اعتدال و میانه روی در: قصد، ماده و حس، تصور، اعتقاد، تفکر و شعور و ارتباطات. (۱۰: ۳۱۱)

برخی از محققان از جمله معانی وسطیت را عدل، انصاف و حد میانه میدانند؛ چنان که برگزیدگی و اعتدال نیز از جمله معانی آن به شمار میرود. (۹: ۱۳)

جایگاه غلو در احادیث نبوی

از آنجایی که رسول الله (ص) از همه بیشتر به پیروی قرآن کریم علاقه داشتند، و خودشان از همه بیشتر به این کتاب آسمانی عمل مینمودند، طبیعی است که بیشتر از غلو و زیاده روی نیز اجتناب مینمودند و تنها به اجتناب کردن اکتفا مینمودند؛ بلکه با آن مبارزه هم میکردند.

مبارزه رسول الله (ص) با غلو و زیاده روی چگونه بوده است:

مبارزه قولی: رسول الله (ص) با همه منکرات با بیان و توضیح و شرح و تفسیر و با زبان مبارزه میکردند و مردم را از آن منکر باز میداشتند. از آنجایی که غلو و زیاده روی هم یک منکر و یا به عبارتی دیگر مادر بسیاری از منکرات دیگر است، طبیعی است که رسول الله (ص) امت خویش را که امت وسط است، از غلو و زیاده روی نهی کرده اند. در یکی از احادیث رسول الله (ص) میفرماید:

«یا ایها الناس ایاکم والغلو فی الدین فإنه أهلك من کان قبلکم الغلو فی الدین» (۳: ۱۰۰۸)

(ای مردم، از غلو در دین برحذر باشید، همانا کسانی را که قبل از شما بودند، غلو در دین هلاک نموده است).

آلبنی در تخریج خویش بر این حدیث آن را صحیح دانسته است.

در این حدیث نبوی پیامبر اسلام (ص) به گونه صریح از غلو برحذر داشته است. این حدیث نبوی هم به تبعیت از آیاتی که قبلاً ذکر شد، از غلوی دینی یاد آوری میکند. از این تعامل آیات قرآنی و احادیث نبوی به خوبی واضح میگردد که از میان تمام انواع غلو، غلوی دینی بد و زشت تر است؛ زیرا هم آیات و هم احادیث نبوی مسلمانان را از چنین غلویی برحذر میدارد.

رسول الله (ص) در حدیثی دیگر چنین فرمود:

«إن الدین یسر و لن یشاد الدین احد الا غلبه فسدوا و قاربوا و ابشروا و استعینوا بالغدوة و

الروحة و شیء من الدلجة» (۷: ۱۶)

(همانا این دین آسانی است، و هرگز کسی دین را سخت نگرفته؛ مگر اینکه مغلوبش شده است؛ پس تعادل داشته باشید، و به کمال نزدیک شوید، و مژده دهید و از اوقات صبح و وقت راحت و نشاط کمک بگیرید).

آنگونه که ملاحظه میکنیم در این حدیث رسول الله (ص) به ما فرمان میدهند تا دین را آسان بگیریم و سخت نسازیم؛ زیرا اگر چنین کنیم مغلوبش واقع میشویم؛ پس در این حدیث هم رسول الله (ص) از غلو و افراط نهی به عمل آورده اند.

مبارزه عملی

در کنار مبارزه قولی، رسول خدا (ص) به لحاظ عملی نیز با غلو و زیاده روی مبارزه نمودند و هرگاه مسلمانان در حوزه دین دچار غلو و افراط شدند، ایشان به شدت آنها را از این کار منع نموده دوباره به جاده صواب رهنمون شده اند. اینک به مواردی از مبارزه عملی پیامبر رحمت با افراطگرایی و غلو اشاره میشود.

گروهی که غلو کردند

در بخاری از انس بن مالک روایت شده که سه تن به خانه‌های رسول الله (ص) شرفیاب شده و از همسران‌شان در باره عبادت رسول الله (ص) استفسار کردند. زمانی که همسران، آنها را در جریان طاعت و عبادت پیامبر اکرم (ص) قرار دادند، عبادت خود را نسبت به عبادت رسول الله (ص) کم شمرده گفتند: ما کجا و نبی خدا (ص) کجا؟! ایشان کسی هستند که تمام گناهان گذشته و آینده‌شان بخشیده شده؛ سپس یکی گفت: من تا ابد شبها را به نماز سپری میکنم. دیگری گفت من برای ابد روزه میگیرم و هرگز افطار نمیکنم. سومی گفت: من از زنان کناره گیری مینمایم و هرگز ازدواج نمیکنم. این بود که رسول الله (ص) نزدشان آمد و فرمود: این شما بودید که چنین و چنان گفتید؟ اما من سوگند به خدا (ج) از همه شما بیشتر از او میترسم و از همه شما پرهیزگارترم؛ ولی من روزه میگیرم و افطار میکنم و نماز میخوانم و میخوابم و با زنان ازدواج میکنم؛ پس هرکس که از سنت من کناره گیری کند از من نیست. ^(۷: ۲) این حدیث را چون امام بخاری روایت نموده کاملاً صحیح است. در این حدیث چند نکته برجسته است:

گروهی از اصحاب دچار فهم افراطی از دین شدند؛

آن گروه از خط اعتدال کناره رفتند؛

تفاسیر غالیانه از عملکرد رسول الله (ص) نمودند؛

در دین غلو نموده از حد معمول تجاوز کردند؛

در غلوی شان حقوق خویش و دیگران را ضایع نمودند، و اینگونه غلو منجر به ضیاع حقوق

میشود؛

رسول الله (ص) با غلوی شان مبارزه نمودند؛

رسول الله (ص) سنت خویش را در اعتدال و میانه‌روی معرفی نمودند.

آنگونه که در این روایت ملاحظه نمودیم گروهی از اصحاب و یاران رسول الله (ص) در تحلیل و تجزیه دین دچار کج فهمی شده از جاده راست و برابر و اعتدال که اصل و اساس اسلام است کنار رفتند؛ چون این کار شان نا درست بود، رسول اکرم (ص) آنها را از کار شان بر حذر داشته مسیر درست را به آنها نشان دادند.

طناب زینب

در روایت امام بخاری آمده که روزی رسول گرامی اسلام (ص) وارد مسجد شدند، چشم شان به طنابی افتاد که در بین دو ستون مسجد آویزان بود. ایشان سوال فرمود که این طناب چیست؟ یاران پاسخ دادند که این طناب زینب است که هرگاه در عبادت خسته میشود خود را به آن آویزان میکند. رسول الله (ص) در مقابل فرمود: آن را باز کنید، هر یکی از شما باید به اندازه نشاط خود نماز بخواند و هرگاه خسته میشود باید که بخوابد. ^(۷: ۵۳)

کار زینب نماد دیگری از غلو و زیاده روی در دین بود که با واکنش پیامبر اسلام (ص) مواجه شد و ایشان زینب و سایر اصحاب را رهنمایی فرموده از غلو و زیاده روی در احکام دین بر حذر

داشتند و فرمان دادند تا حتی مظاهر این غلو که عبارت از همان طناب بسته شده در بین دو ستون بود نیز باز شود.

این دو مورد از مبارزه عملی رسول الله (ص) با غلو و افراط‌گرایی در دین بود و ایشان هرگز اجازه ندادند اصحاب شان در این خصوص دچار این انحراف شوند و هرگاه که نیاز بوده با قول و عمل با آن مبارزه کردند؛ چون دین اسلام دین غلو و زیاده روی نیست.

عرصه های غلوی دینی

غلو و زیادی روی دینی در عرصه های مختلف صورت میگیرد. این غلو، هم میتواند در بخشهای اعتقادی انجام یابد و هم در بخشهای عبادی و عملی.

در بخش اعتقادی زمانی است که انسان از چهار چوبه های اعتقادی وضع شده در دین تجاوز نماید؛ به عنوان مثال یکی از چهار چوبه های کلی و عمومی که از سوی اسلام در عرصه ایمان وضع شده، عرصه توحید و یکتا پرستی است. این عرصه در حوزه اعتقاد از اهمیت زیادی برخوردار است و باید در آن انسان خود را ملزم به توحید و یکتا پرستی بداند و اگر از این عرصه اندکی انحراف کند قطعاً یا افراط کرده است و یا تفریط.

در همین عرصه نماد دیگری از غلو اینست که کسی با اندک گناهی که از کسی سر میزند، او را تکفیر نماید. پدیده شوم تکفیر دیگران یکی از نمادهای زشت و بد غلو در دین و آثار آن است؛ در حالی که بزرگان دینی تصریح مینمایند که ما هیچ کسی را از اهل قبله با گناهی که مرتکب میشود تکفیر نمیکنیم؛ مگر اینکه آن گناه را حلال بشمارد.^(۴۳: ۵)

در تاریخ اسلام ثابت است که سیدنا علی خلیفه چهارم اسلام با خوارج جنگیدند. خوارج کسانی بودند که سایرین را با اندک گناهی تکفیر مینمودند؛ چنان که در این راستا حتی سیدنا علی را نیز تکفیر کردند.^(۳۲۰: ۲)

در بخش عملی نیز آنگونه که در مطالب گذشته دیدیم، گروهی از اصحاب در عرصه سلوکیات و اعمال خویش نیز دچار انحراف شده دست به غلو و زیاده روی زدند و رسول اکرم e آنها را مجدداً به راه درست رهنمون شدند. در بخش عبادی هم غلو صورت میگیرد. رهبانیتی که اسلام به آن امر نفرموده خود از مظاهر بزرگ غلو در عرصه عبادت است.

زیانهای غلو و زیاده روی و تطبیق آن بر جامعه اسلامی

در این شکی نیست که غلو و زیاده روی در تمام عرصه ها آثار سوء خود را بر جای میگذارد، هم در عرصه فردی و هم در عرصه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره. اینک به گونه فهرست وار این موارد بیان میگردد:

زیان فردی: شخص غالی و منحرف از خط وسطیت اسلام، در نظر جامعه و عموم مسلمانان

مقام و منزلت خود را از دست میدهد و همه نسبت به او نگاه منفی پیدا میکند و همواره از او بر حذر میباشند، و او رفته رفته در جامعه منزوی و تنها میشود.

زیان اجتماعی: آن دسته از جوامع اسلامی که دچار غلو و زیاده روی در امور شده اند، به علت انحراف از خط اعتدال اسلامی به انواع و اقسام مصیبت‌ها از قبیل جنگ و خونریزی، بی ثباتی، تشطط و پراکندگی، انواع منازعات و غیره مبتلا شده اند. مصادیق بارز چنین جوامعی را در کشورهای مختلف اسلامی میتوان مشاهده کرد.

زیانهای سیاسی و اداری: در جوامع افراطی به علت وجود نا به سامانیهای مختلف در تمام امور، ثبات سیاسی وجود ندارد. حکومت‌های مستبد حاکم میشود و بر مردم با زور شمشیر و کشتار حکومت مینماید. فساد اداری در همچو جوامع موج میزند و تمام ادارات آن کشور به سوی رشوه ستانی، کاغذ پراکنی و اخاذیهای بی مورد حرکت مینماید.

زیانهای اقتصادی: بدون شک ثبات اقتصادی یک کشور تا حد زیادی وابسته به ثبات سیاسی آن کشور و همچنان به نحوه اداره آن است. کشورهای بی ثبات سیاسی دچار بی ثباتی اقتصادی نیز هستند. مردم نمیتوانند به خوبی و آرامی تجارت کنند. افکار غالیانه به علت آثار سوئی که بر جای میگذارد حرکت اقتصادی را مختل میسازد و زیانهای بی شماری را ایجاد مینماید.

اینها همه خساراتی نیست که کشورهای اسلامی بابت غلو و زیاده روی میدهند، اگر خواسته باشیم این قضیه به تمام معنی به بحث و بررسی گرفته آید، قطعاً نیازمند بحثی مستقل خواهد بود.

نظر به همه این زیانهاست که دین مبین اسلام و در رأس منابع والای آن از جمله قرآن کریم و سنت نبوی پیوسته امت اسلامی را از غلو و زیاده روی باز داشته است. ما قبلاً به آیاتی چند از کلام پاک الهی و احادیث گهربار نبوی در این خصوص اشاره نمودیم.

نتیجه

برخی از نتایجی که از این مقاله کوتاه حاصل میشود قرار ذیل است:

- ۱- غلو و تجاوز از حد یکی از بدترین پدیده‌هایی بوده که بشر گرفتار آن شده است؛
- ۲- یکی از بدترین انواع غلو، غلو در دین است؛
- ۳- قرآن کریم و احادیث رسول الله (ص) مسلمانان را از غلو در دین باز داشته اند؛
- ۴- غلو و زیاده روی در دین آثار و پیامدهای بدی در تمام عرصه‌ها دارد؛
- ۵- با غلو و زیاده روی باید مبارزه صورت گیرد.

پیشنهادهات

در پایان این مقال پیشنهاد میشود که:

- ۱: از آنجایی که کشور ما از جهت غلو و افراط رنج میبرد، پیشنهاد میشود تا دانشگاه‌های کشور پیرامون غلو و تجاوز از حد در امور دینی تحقیقات همه جانبه انجام دهند؛

۲: علمای دینی نظر به مسؤولیت مستقیمی که در عرصه تبیین احکام دینی دارند، باید در این خصوص سعی و تلاش بیشتری انجام دهند؛
 ۳: همه مسلمانان باید در ارزشهای اسلامی مطالعات عمیق و وسیعی انجام دهند تا بیشتر و بهتر با این دین با عظمت آشنا شوند.

منابع

۱. القرآن الکریم.
۲. ابن کثیر، ابوالفداء، اسماعیل بن عمر. ۱۴۰۷ق. البداية و النهایة. دمشق: ج ۷. دار الفکر.
۳. ابن ماجه، ابی عبدالله، محمد بن یزید. ب ت. سنن ابن ماجه. تحقیق شعیب الأرناؤوط و همکاران. بیروت: ج ۲. دار الرسالة العلمیة.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۴۱۴ق. لسان العرب. بیروت: ج ۱۵. دار صادر.
۵. ابوحنیفه، نعمان بن ثابت الکوفی. ۱۴۱۹ق. الفقه الأكبر. الإمارات: مكتبة الفرقان.
۶. ازدی، ابوبکر، محمد بن حسن. ۱۹۸۷م. جمهرة اللغة. تحقیق رمزی منیر بعلبکی. بیروت: ج ۲. دار العلم للملایین.
۷. بخاری، محمد بن اسماعیل. ۱۴۲۲ق. صحیح البخاری. تحقیق محمد زهیر ناصر الناصر. بی جا: ج ۱. دار طوق النجاة.
۸. دهخدا، علی اکبر. ب ت. لغتنامه دهخدا. برنامه نویس: مسعود داداشی و منوچهر داداشی. نشر الکترونیکی.
۹. صلابی، علی محمد، محمد. ۱۴۲۲ق. الوسطیة فی القرآن الکریم. الشارقة: مكتبة الصحابة.
۱۰. قطب، سید، ابراهیم حسین الشاربی. ۱۴۱۲ق. فی ظلال القرآن. بیروت: ج ۶. دار الشروق.
۱۱. المناوی، زین الدین محمد، عبدالروؤف. ۱۴۱۰ق. التوقیف علی مهمات التعاریف. القاهرة: عالم الکتب.